

نود، ورزش از نگاه دو، نیمه سوم، ... این ها همه نام برنامه های پر تعداد ورزشی است که این روزها رسانه ملی را به تسخیر خود در آورده اند. برنامه هایی که هر کدام از شبکه ای رو آنتن رفته و از قرار معلوم قرار است دائما سوزنه های یکدیگر را به صورت چند باره تکرار کنند. گاهی کار به جایی می رسد که یک سوزنه ورزشی در طول یک هفته چندین بار و حتی توسط کارشناسان تکراری در این برنامه بررسی می شود.این در حالی است که برنامه های جدی اجتماعی و فرهنگی همچنان حضور کم رنگی دارند.

نگاهی به صحبت های اخیر مطرح شده در جلسه شورای فرهنگی انقلاب اسلامی،نشنان می دهد که دغدغه جدی در موضوعات اجتماعی و فرهنگی وجود دارد اما برای تحقق این دغدغه ها باید به سمت تولیدات تأثیر گذار در تلویزیون رفت.

رشد شگفت انگیز برنامه های ورزشی

در این سباره پرویز بیات،کارشناس اجتماعی و استناد دانشگاه می گوید:حجم برنامه های ورزشی این روزها در تلویزیون آن قدر زیاد شده که برخی سوزه های فرهنگی و اجتماعی مکتوم می مانند.از طرفی مخاطب در جامعه پیچیده امروز ایران نیاز به تماشای برنامه های اجتماعی بسیار جدی و چالشی دارد.فراموش نکنیم که امروز جامعه ایرانی در تمام ابعاد ضعف کار فرهنگی را احساس می کند.گسترش فرهنگ بومی هم با افزایش فرهنگ سازی از طریق رسانه ها صورت می گیرد.

فرهاد ساعی،استناد دانشگاه و کارشناس ارتباطات نیزدر این باره خاطرنشان می کند:رسانه ملی طیف های مختلفی از مخاطبان را پیش رو دارد.با نگاهی به همه این مخاطبان می توان این را احساس کرد که مخاطب امروز جامعه ایران نسبت به گذشته استقبال کمتری از برنامه های توانمندی دارد.جامعه مخاطبان امروز تلویزیون ما علاوه مند به افزایش تعداد مخاطبان خود است.فراموش نکنیم که بسیاری از این موارد، وظایف مهمی برای رسانه ملی ایجاد می کند.این رسانه نباید از خواسته های مخاطبان خود در حوزه های فرهنگی واجتماعی عقب بماند.

عقب نشینی مخاطبان از ورزشی دیدن و تماشای فوتبال
صحبت های این کارشناسان در حالی است که این روزها مخاطبان فوتبال نسبت به گذشته کاهش پیدا کرده و این مسئله را می توان در تعداد تماشاگران حاضر در ورزشگاه ها هم مشاهده کرد.حالا این سوال مطرح می شود که چرا رسانه ملی هنوز هم بر این رویکرد تاکید دارد که برنامه های متعدد ورزشی، آن هم با تمرکز بیش از حد بر حواشی فوتبال ببرد.ازند.

فرهاد ساعی،پژوهشگر ارتباطات دراین باره می افزاید:باید با توجه به نیازهای روز جامعه در برنامه سازی سیما بازنگری شود.ضمن اینکه به باور بسیاری افزایش برنامه های حاشیه ای ورزش باعث ترویج مسائلی می شود که سودی برای اخلاق در جامعه ندارد.ازطرفی دیگر آنتن تلویزیون باید از رزمند باشد و به نوعی برای آن برنامه ریزی دقیق صورت گیرد.

تکرار ملال آور اتفاقات ورزشی:نتیجه چیست؟

این استاد دانشگاه می افزاید:ناید با مطرح کردن مباحث سطحی و تکرار دائم آن مانند اینکه «فلان بازیگر به مربی اش چه گفت» یا «چه دعوایی این روزها در فوتبال مطرح است» دائما ذهن مخاطب را پر کرد.چرا که به این صورت علاقه رسانه ای مخاطب بسیار سلخته و پوچ خواهد شد.عادت دادن به برنامه های فاخر وارزشمند کار رسانه است. رسانه ای مانند تلویزیون می تواند با برنامه ریزی دقیق ،مخاطب را به سمت صحیح هدایت کند.

پرویز بیات درباره تأثیرات اجتماعی پخش دائم حاشیه های ورزش به ویژه فوتبال عنوان می کند:تأثیر این برنامه ها روی قشر نوجوان به اندازه ای است که می تواند منجر به تغییر مسیر فکری آنها به طور کامل شود.دراین باره به چند نکته باید توجه شود:یک- اکثراین برنامه ها به

در حاشیه حواشی سرپال سرزمین کهن

■ سعید رضایی



عذرخواهی عزت الله ضرغامی رئیس سازمان صداوسیما و حضور به موقع و صمیمانه وی در میان هوپولنان بختیاری کشورمان اتفاق خوشایند و مثبتی بود. قرار گرفتن مدیر رسانه ملی در موضع پدھکار و مدیون به مردم بختیاری از سرزمین کهن مان، گویای هوشمندی وی بود. چرا که این اقدام جلوی سوءاستفاده مستمر دشمن از مسئله اعتراض اقوام را گرفت.

اقدام رئیس صداوسیما در دلجویی از بختیاری ها اگرچه در خور ستایش است، اما نمی توان از کنار ضعف نظارت و سپردن کار به دست افراد مغرض در رسانه ملی به سادگی گذشت. متأسفانه سازنده های سرپال «سرزمین کهن» (مقصود، نویسنده فیلمنامه و کارگردان سرپال است) پیش از این هم نشان داده بودند که دارای گرایش های خاص سیاسی و فکری هستند و نمی توانند روایت گر صادق تاریخ معاصر باشند. اما با کمال تأسف، ساخت سریالی چون «سرزمین کهن» به عهده آن ها گذاشته شد.

اینکه در این سریال قوم بختیاری به عنوان طایفه ای طرفدار سلطنت معرفی می شوند، مسئله ای نیست که بتوان در مقابل آن کوتاه آمد و قبل از بختیاری ها، خود مسئولان صداوسیما باید به سازنده های «سرزمین کهن» معترض می شدند. فراموش نکنیم که یکی از تانکبک های دشمنان ایران، ایجاد نزاع های قومی و قبیله ای است. آن ها سال هاست که در رسانه های خود، به خصوص شبکه های ماهواره ای در پی ایجاد تفرقه بین مردم و اقوام ایرانی هستند. نمی توان نیت خونی کرد و گفت که اقدام سازنده های سرپال «سرزمین کهن» در زشت نمایی یک قوم، تعدمی بوده، اما در عمل کار کارگردان و نویسنده این سریال، آب ریختن به آسیاب دشمنان ایران است.

سریال «سرزمین کهن» بار دیگر زخم چتر کین ضعف نظارت در برنامه های سیما را گشود و نشان داد که باید سازو کارهای قوی تری برای نظارت بر برنامه ها و سرپال ها در نظر گرفت. ضمن اینکه در انتخاب افراد هم نمی توان تنها به تخصص افراد اطمینان کرد. باید تخصص و تعهد توأم باشد. بدون تردید برای تولید سریال «سرزمین کهن» خیلی هزینه شده است. این هزینه قرار بوده به تولید یک اثر فاخر برای ترحام سینمایی تاریخ انقلاب منجر شود و میان نسل جدید و ارزش های انقلاب، پیوند محکم تری را ایجاد کند. اما به خاطر عدم رعایت نظارت و هدایت، این بودجه تلف شده و پروژه «سرزمین کهن» نتیجه ای معکوس یافته است.

درباره کم رنگی برنامه های فرهنگی و حجم زیاد برنامه های ورزشی در سیما

حاشیه های فوتبال؛ موریانه های رسانه ملی!

■ رضا فرخی



■ یک کارشناس ارتباطات: توجه بیش از حد به حاشیه های فوتبال در تلویزیون موجب "تهاجمی شدن" ذهن مخاطب می شود.

صورت ناخودآگاه برخی بازیکنان فوتبال را که از رفتار و اخلاق مناسبی برخوردار نیستند ستاره می کند.به این صورت مخاطب نوجوان این چنین فکر می کند که این چنین رفتارهایی در جامعه وجود هم بد نیست.چرا که آن بازیکن و منش او برای وی تبدیل به یک الگو می شود.

دو-مطرح کردن دائم موضوعاتی مانند فساد در فوتبال و کلاهبرداری

ها در بدنه ورزش و همچنین نزاع های ویداخلقاری های مسئولان و فعالان

ورزش، تأثیر منفی برای تربیت ذهنی مخاطبان دارد.

روحیه انہام زنی و تقویت هرچ موج فکری و رفتاری
در همین سباره هر دو کارشناس بر تأثیرات جدی پخش متعدد برنامه های ورزشی بر ذهن مخاطب می گویند.فرهاد ساعی،پژوهشگر ارتباطات واستاد دانشگاه دراین باره می گوید:بیش از هر چیزی در این باره، فضای ذهنی مخاطب مد نظر است.به این صورت که رسانه ملی در این باره به تدریج می تواند به طور ناخودآگاه و بدون آنکه مخاطب متوجه شود تربیتش کند.این تربیت هم می تواند مثبت باشد وهم منفی! این کارشناس ارتباطات، در ادامه تاکید دارد که ذهن مخاطب با تکرار برنامه های متعدد ورزشی وحاشیه های نامناسب به شدت مستعد

■ رسانه ملی به جای این حجم عظیم از برنامه های ورزشی که به حاشیه ها می پردازند تولید کند که برنامه هایی در آن آموزش فرهنگی واجتماعی جامعه مد نظر است.

"تهاجمی شدن" است.

این استاد دانشگاه در پاسخ به این سوال که منظور از تربیت این چنینی ذهن چیست؟ این گونه پاسخ می دهد:وقتی دائما ذهن مخاطب را با موضوعاتی همچون اتهام و فساد پر کنیم، به تدریج یک روند تهاجمی در ذهن مخاطب شکل می گیرد و بازتاب این روند تهاجمی را می توان در رفتارهای اجتماعی آن مشاهده کرد.هدمت دین، قضاوت های بدون تحقیق و ایجاد دید منفی نسبت به همه چیزها از این تبعات منفی در رفتارهای اجتماعی هستند.

پرویزبیات،استاد دانشگاه و جامعه پژوه، خاطر نشان می سازد:به عنوان نمونه فرض کنیم که دو تن از دست اندرکاران ورزشی در برنامه تلویزیونی حاضر می شوند و پشت سر هم به یکدیگر اتهامات بی سند می زنند.همچنان که در بسیاری از برنامه های امروز ورزشی تلویزیون دیده می شود که افراد هنگام حضور در این برنامه ها علاقه زیادی به افشاگری های هیجانی دارند.همه این مسائل سبب می شود تا مخاطب، ذهنی آشفته و پر از تناقض پیدا کند.مخاطب نوجوان وجوان با تماشای متعدد این سبک برنامه ها به فضای امروز جامعه به شدت بدبین می شود و در مورد همه چیز قضاوت کرده واتهام می زند.

از سودهای کلان برنامه فرهنگی اجتماعی غافل شده ایم

در ادامه با معکوس کردن این فرسیه می توان از این بعد به مسئله نگاه کرد که رسانه ملی به جای این حجم عظیم از برنامه های ورزشی که به حاشیه ها می پردازند برنامه هایی تولید کند که در آن آموزش فرهنگی واجتماعی جامعه مد نظر است.

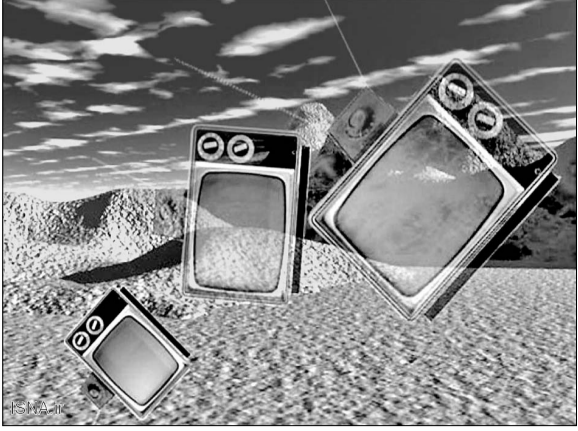
نگاهی به سریال «عصر پاییزی»

بدسلیقگی های رسانه های



حامی مالی چون وزارت رفاه پیدا شده که باید نظرش نیز جلب می شده است؛ شخصیت رفیع یکی از فرزندان همان مرز نریز دارای خط داستانی پر رنگی می شود. رفیع از کارش اخراج می شود؛ استخدام می شود؛ کار آفرین می شود و بسیاری دیگر می شود که همه در راستای مسائلی ست که خاستگاهی در برنامه فرهنگی اجتماعی می شود.

در استان سرپال «عصر پاییزی» مردی ۶۵ساله (با بازی علی عمرانی) که ازدواج مجددی داشته دچار حوادث عجیب و قریب می شود که اسکان نو عروس ۶۰ ساله اش با مادر همسر مرحومش ماجراهایی را پدید می آورد.از طرفی دیگر پسر مرز تازه داماد که به مهدیسی خلایق اما گنج و خنگ است پس از اخراج از کار با ورود به یک ماجرای عاشقانه تغییر بسیاری کرده و به فردی کارآفرین تبدیل می شود... که به انصاف باید گفت ایده مواجهه و همسایگی زنی با مادر هروی مردهاش! بسیار بکر و طنزآمیز است که در صورت بهره برداری درست می توانست کیفیتی دیگر برای سریال را رقم بزند. ایده بکری که می توان احتمال داد برخی بازیگران مجموعه که به سخت گیری درانتخاب نقش معروف هستند به خاطر آن در سریال حاضر شده اند و



پرویز بیات در این باره با اشاره به مثبت بودن تحقق این مسئله می گوید:در صورت تحقق این مسئله می توان امیدوار بود که در طول زمان چند اتفاق رخ دهد: یک-گسترش آگاهی های اجتماعی وایجاد عزم جدی در بین شهروندان برای از بین بردن نکات منفی در سبک زندگی، دو-آموزش شهروندان در راستای ایجاد حس همکاری بیشتر در جامعه و گسترش حس همزیستی، سه-افزایش توان شهروندی در حل مشکلات از طریق گفت و گو.

موج سواری هایی از جنس ورزش

صحت های این جامعه پژوه در حالی است که فرهاد ساعی، کارشناس ارتباطات چند ویژگی مشخص از درباره برنامه های امروزی که در رسانه ملی درباره ورزش پخش می شود برمی شمارد.بهره باور ساعی این چند ویژگی عبارت است از:

یک-تلاش حداکثری در ایجاد فضای هیجانی و به نوعی نمایش این موضوع که این برنامه می خواهد خط قرمزها را زیر پا بگذارد!

دو-ایجاد فضای کاملا درگیرانه و علاقه نشان دادن مجریان برنامه به نزاع های کلادی و استفاده از واژه های افشاگرانه توسط میهمانان برنامه سه-محور قرار دادن نگاه منفی به موضوعات تا جایی که خلاف این مسئله اثبات شود.

چهار-تمایل جدی به پرداختن به حاشیه و فراموش کردن تقریبی متن موضوع و تشویق مخاطب به تماشای دیدن حاشیه های نامطلوب وپشت پرده ورزش به ویژه فوتبال.

ویژگی های این برنامه ها در حالی از سوی این کارشناسان مطرح می شود که در صورت توجه سیما به برنامه های اجتماعی این اتفاقات برعکس می شود.

لطفاً هزینه -حایده کنیم!

پرویز بیات،استاد دانشگاه وجامعه شناس،درباره این مسئله می گوید:برنامه های جدی و چالشی اجتماعی در رسانه ملی دقیقاً برعکس برنامه های تلویزیونی می تواند ذهن مخاطب را از هیجانات دور کند. همچنین این پتانسیل را دارد که که به جای ترویج بی اخلاقی ،اخلاق و تعامل را در جامعه جایگزین کند.

فرهاد ساعی،کارشناس رسانه و پژوهشگر ارتباطات، در پاسخ به هزینه های برنامه های ورزشی، پاسخ می دهد: بسیاری از برنامه های ورزشی که امروز به صورت هفتگی در حجم و نوبت های بالا هم پخش می شوند هزینه بر هستند. باید دید که کدام یک برداشت های مثبت بیشتری برای جامعه دارد.به تعبیری دیگر هزینه -فایده آنها چگونه است؟ لحاظ کردن اینکه برخی اعضای جامعه آن هم پراساس آمارهایی که خود سازنده های این برنامه می دهند مخاطبان بیشتری دارند ملاک خوبی برای دادن آنتن به این برنامه ها نیست.امروز نیاز جامعه را هم باید در نظر گرفت.نیازهای جامعه نباید قربانی برنامه هایی شوند که به ظاهر مخاطب پسند هستند.

■ مهدی نوروزخانی

به ایفای نقش پرداختند.

اسکان تدریجی خانواده مهسید و اختلافاتش با مامان پری و بازگشت برادر او، جمشید با بازی علیرضا خامسه،ماجراهای رفیع در محل کار ... قرار بوده تا یک جمع ناهمگون و گاه متضادی را شکل دهد تا ایجاد کننده طنز موقعیت باشد. همان طنز موقعیت تیوع آوری! که به دلیل داشتن بازدهی در جذب مخاطب بیش از یک دهه است مورد استفاده تولیدکنندگان سریالهای «بازی شان می شود» و «بازی» قرار گرفته و حالا دیگر کاملا پوسیده و یخ نما شده است؛ البته این طنز موقعیت

هم از آن دست مواردی ست که تنها راه علاج سیما و مخاطبان از آن ممنوع کردنش برای تولیدکنندگان است.

در «عصر پاییزی» هم همین طنز موقعیت پوسیده و یخ نما به دو دلیل ساده، طنزی بی محل و بی معنی سرانجام گرفته است. این دو دلیل ریشه در شخصیت پردازی غلط و انتخاب بازیگرانی اشتباهتر از مورد اول است.شخصیت ها چون غلط طراحی شده اند، کارکردی عکس پیدا کرده اند، مثلا شخصیت رفیع (با بازی کوروش نهامی) که اکثر ماجراها و موقعیت ها حول وی روی می دهند، دقیقاً شخصیتی کاریکاتورگونه دارد که این خودش تضاد و موقعیت های غیرمعمول را توجه می کند و دیگر خنده دار نمی شود.

انتخاب غلط بازیگران، به ویژه در زنان از این بابت برهم زننده موقعیت های طنز هستند که هیچ تجربه ای دراین گونه شوخ و شنگ نداشتند و برای بهتر شدن نقش، چیز خاصی ارائه ندادند. حال این بماند که بغیر از چهره های خاص شان که به شخصیت های کاملا جدی قربات دارد ، تپه هایی قدیمی که با آن مطرح و شناخته می شوند را ارائه داده اند.



اجتماعی بدون کشف حجاب و زیرپا گذاشتن موازین اسلامی میسر نیست؟ در قسمتی از فیلم شاهد خوانندگی غوغا با بازی لیلا زارع هستیم، آیا بدون اینکه بازیگر زن به خوانندگی بپردازد و سایر نکاتی که ذکر شد نمی توان به موضوعات اجتماعی پرداخت و تأثیر گذار نیز بود؟

از دیگر نکات قابل توجه در «شیفتگی» نحوه برخورد شخصیت ها با موضوعات است. در این فیلم اتفاقاتی رخ می دهد، ولی در هیچ کدام از این اتفاقات افراد به دستگاه های قضایی و انتظامی مراجعه نمی کنند.

چشم انداز ایران سال ۹۳ بخش دوم

کدام بازی؟ کدام بزرگان؟

■ محمدرضا محقق

در جشنواره فیلم فجر امسال آنچه بیش از همه خودنمایی می کرد حضور بزرگان سینما با آثارشان در این دوره بود. اسم ها و عناوینی خیره کننده و توقع برانگیز که باعث شد عنوان «بازی بزرگان» برای این دوره از جشنواره تبدیل به یکی از معروف ترین اصطلاحات این دوره پیش از زمان برگزاریش شود.این عنوان پربیره هم نبوده؛ بالاخره طیف متنوعی از بزرگان این سینما از نسل های مختلف در آن حضور داشتند.اما آنچه محاصل کار بود نه به یک «بازی» مهیج شبیه بود و نه نشانه چندانی از «بزرگی»ی با خود به همراه داشت.هرچه نام ها بزرگ تر و باسابقه تر؛ آثار نازل تر و بی هویت تر!

این دوره از جشنواره فیلم فجر مثل برخی از دوره های اخیرش، بار دیگر ثابت کرد که هنر سینما نه در برابر بزرگی پوشالی و سابقه تراشی اینچنانی این و آن، کوتاه می آید و نه می شود با حاشیه سازی های دروغین، اهالیش را فریب داد؛ آن هم برای یک مدت طولانی. هنر سینما بی رحم است و چیزی جز اصالت های هنری و ارزش های حقیقی و ناب سینمایی را بر نمی تابد و بزرگ و کوچک و باحاشیه و بی حاشیه را هم نمی فهمد!

در میان این «بزرگی»ان ادعایی که در جشنواره امسال حضور داشتند می توان فیلم ها و نام هایی را دید که به طور ناامیدکننده و بی هویت و باسمه ای، نمایشی باری به هر جهت و تأسف آور را رقم زدند و چیزی جز حسرت و دریغ برای مخاطبانشان به یادگار نگذاشتند.اسم هایی همچون داریوش مهرجویی، فریدون جیرانی،



رضامیر کریمی، مسعود کیمیایی، کیانوش عیاری، کیومرث پوراحمد

فیلم سلخته و باسمه ای و جعلی «شباح» با آن کارگردانی بی هویت و بازی های افلیجی و تخت، یکی از این نمونه های روشن بود. البته مهرجویی طی فیلم های اخیرش ثابت کرده که دیگر از دنیای زندگان سینمای ناب رخت برپسته و راهی دیار اموات شده و نمی توان دیگر از او امید داشت که «فیلم» سینمایی بسازد چه رسد به فیلم خوب؛ با این حال این دروغ و حسرت باقی است که چرا چنان کارگردانی با فیلم هایی مثل «گاو» و «لیلا» و... به «تارنچی پوش» و «چه خوبه برگشتی» و «شباح» و... رسیده است.خدا رحمتش کند! اما «خواب زده ها» فریسدون جیرانی بی تردید یکی از پدیده های جشنواره امسال بود. فیلمی خنگ و بلاهت بار و هذیانی که اصلا عنوان «سینما» برایش ناپیجاست!فیلمی که نه قصه دارد نه فیلمنامه و نه کارگردانی؛ تنها تصویری است از مالیخولیای منتشر در جان و جهان کارگردان شبه روشنفکرش که ادعای صلح بودن با سلاسل «تحمل پذیری» همدیگر را دارد.سینما را با جای دیگری اشتباه گرفته اند بنده های خدا!

البته مملطن ناشید این حرف ها را در خلأ نقد جدی و ستهیننده و منتقد حرفه ای، می شود از سوی سازندگان فیلم و طرفداران همیشگی شان، با هزار جور لفاظی و بازی با کلمات، جواب داد و از سینمای هنری گرفته تا قرانت کارگردان از هنر هفتم را به عنوان دلیل ارزش و اهمیت فیلم، به خود رسانه های حلقه رفقا داد!

«مسرور» فیلم اخیر «برادر» میر کریمی هم در ادامه این روند، تبدیل به نسخه ای مضمحل شده و البته شل و ول، از رویکردهای ملهم از «خود روشنفکر پنداری» شده و با لگد به گور سینمای قسه گو و جذابیت محور، تبدیل به جنگ اعصابی برای بینندگان بخت برگشته و رقابتی نفس گیر برای هر چه کسدارتار و بدتر فیلم ساختن میان «بزرگان» و «بازی» شان می شود!

بد نیست اشاره ای هم داشته باشیم به فیلم «آذر، شهدخت، پرویز و دیگران» هیچکاک سینمای ایران! (۱)جناب بهروز افخمی که توانست در اتفاقی محیرالعقول و احتمالی بی نظیر در کل تاریخ سینمای جهان از ازل تا ابدا، در دست هیبت داوران فوق العاده فهیم و بی کارشناس این دوره، «فیلمنامه» را به خاطر فیلمنامه ای که نداشت و قصه ای که روایت نکرد دریافت دارد- فتمأل جدا!

و البته به یادآوریم فیلم «طبقه حساس» را که بار دیگر ثابت کرد عده ای برای فیلم ساختن و تقرب به هنر فاخر و دلسوزانه برای خندانن مردم و ادخال السرور فی قلوب ومومنین و نه البته شایسته تکرده برای عاج و مجال، و منمال، حاضرند با چه وفاحتی چه چیزهایی را سربربرند و قربانی فیلمسازی خودشان- به هر قیمتی- نمایند!

مرض نوستالژی و بدتر از آن منتقدهای مفلوکی که اویزان فیلمسازانی -به هر دلیلی؛ از رقابت گرفته تا خودشیفتگی و از شہوت شهرت به هر راهی هرچه تا مالیلخولیایی باشند در این فیلم و حواشی پیرامونش به شدت و حدت موج می زند.

این لفظ «استاد» و «نوستالژی» و... هم عجب موقعیت مضحک و چرکی پیکارده است در سینمای ما! نه؟!

شما فیلمت را بساز، موضوعات اجتماعی پیش کش!

این فیلم به نوعی در نظر دارد ضعف دستگه های قضایی و انتظامی در پرده نمودن مشکلات شهروندان را القا نماید و این طور وانمود نماید که افراد خودشان بهتر از پس کارهایشان بر می آیند. به گونه ای که هیچ کدام از بازیگران در این فیلم برای حل مشکلات گوناگونی که در فیلم برایشان ایجاد می شود به هیچ کدام از این مراجع مراجعه نمی نمایند. حتی خواننده زن فیلم نیز با زیرپا گذاشتن قوانین شرعی و قضایی و با توجه به تاکید قاضی مبنی بر عدم انتشار آلبوم موسیقی خود، باز نسبت به انتشار آلبوم خود اقدام می نماید. این موضوع در دیالوگی که حاجیشاروای تیموریان) می گوید نیز به خوبی دیده می شود: همنوی باش که خودت می خوای و نذار کسی و چیزی عوضت کنه ...

اما باید این سوال پرسیده شود که آیا کارگردان «شیفتگی» همان فیلمی را ساخته که می خواهد، یا بیشتر برای خوشامد و کف و سوت های محافل به ظاهر روشنفکرانه و جشنواره های خارجی که

به قوانین شرعی پایبندی ندارند دوربین به دست گرفته است.

در «شیفتگی» هویدا نمودن جنسیت واقعی حاجیشا و لباس

زنانه پوشیدن می شود معنای دگردیسی و تحول! فیلمی که نه ابتدا دارد، نه انتها و از هیچ طرح داستانی نیز پیروی نمی کند و فاقد یک درام مشخص است نتوانست حتی خواست کارگردان را برآورده نماید چه رسد به جذب مخاطب.